سعید لیلاز در گفت‌وگو با «ایران» از تاثیرات سیاسی و اقتصادی مصوبه مجلس می‌گوید

مصوبه مجلس منافع صبر راهبردی نظام را مختل می‌کند

نتیجه قانون مجلس، احیای سیاست ترامپیسم در قبال ایران است

احسان بداغی
خبرنگار

قانون جدید مجلس درخصوص مسأله هسته‌ای چیزی متفاوت از راهبرد نظام است؛ این نظری است که سعید لیلاز، تحلیلگر مسائل سیاسی و اقتصادی درباره این قانون دارد. او در گفت‌وگو با «ایران» توضیح می‌دهد که این مصوبه چیزی بیش از تصمیم یک جریان سیاسی نیست و نمی‌توان آن را به عزم و تصمیم راهبردی نظام تعمیم داد. چرا که به زعم او، در این صورت فلسفه استقامت سه ساله ایران در برابر فشارهای دولت ترامپ زیر سؤال می‌رود. لیلاز معتقد است که مخالفان دولت بیش از هر چیز با لحاظ کردن مسأله انتخابات ۱۴۰۰ وارد چنین بازی‌ای شده‌اند. با این حال او معتقد است که این قانون با توجه به پیام‌هایی که به خارج از کشور می‌فرستد و همین‌طور اختلالی که برای صبر راهبردی نظام ایجاد می‌کند، می‌تواند تأثیر مخربی داشته باشد.

***

■ **یکی از اساسی‌ترین سؤالات درباره مصوبه مجلس این است که چقدر می‌توان آن را به تصمیم کلیت نظام درباره مسأله هسته‌ای و برجام تعمیم داد؟ آیا این را باید صرفاً تصمیم یک جریان سیاسی دانست یا چیزی بیش از آن؟ اساساً از این حیث فلسفه قانون جدید به نظر شما چیست؟**

من از ابتدای پروژه هسته‌ای ایران که آن را مدام پیگیری کردم به یک نتیجه مشخص رسیدم که فقط هم نتیجه‌گیری من نیست و تا الان هم خدشه‌ای به آن وارد نشده است. آن نتیجه‌گیری این است که پروژه هسته‌ای ما تحت اختیار دولت‌ها و مجالس مختلف نبوده و نیست. اینجا هم کاری به خوب و بد این ندارم، این روشی است که در این ۲۰-۳۰ سال دنبال شده و هنوز هم روال بر آن است. غربی‌ها هم این واقعیت را می‌دانند و متوجه هستند که بیشتر دستگاه‌های اجماع‌ساز مانند شورای عالی امنیت ملی این مسأله را پیش می‌برند و سرپرستی می‌کنند، چون مسأله فراتر از مسائل امنیتی، علمی و اقتصادی حتی دارای بعد ژئوپلیتیکی است. مجالس و دولت‌های مختلف ما هم با گرایش‌هایی که دارند در این مسأله بی‌تأثیر نیستند اما فقط بخشی از روند تصمیم‌گیری هستند نه تمام آن. در تمام دنیا هم بابت مسائل هسته‌ای تقریباً همین روند وجود دارد. بنابراین وقتی مجلس در خارج از این چارچوب توافق شده در نظام چنین قانونی می‌گذارد و تعهداتی ایجاد می‌کند چند تا نتیجه دارد؛ یکی اینکه یک پیام تشتت و درگیری داخلی به دنیا می‌فرستد. دنیا می‌داند فرآیند تصمیم‌گیری حداقل در این موضوع در نظام ما چیست اما قطعاً می‌گویند اینها فعلاً با شدت درگیر تنازعات داخلی هستند و بنابراین برای حل مسأله باید صبر کرد. یعنی اگر آن طرف هم اهتمامی حتی در دولت جدید امریکا برای حل مسأله وجود داشته باشد این مصوبه آن را به تأخیر خواهد انداخت. چون آن طرف می‌گوید بگذارید اول اینها تکلیف‌شان را با خودشان معلوم کنند، بعد برویم سراغ حل مسأله فی‌مابین خودمان با آنها. دقت هم بکنید که این در شرایطی است که قطعاً اروپا به امریکا نزدیک و همراه خواهد شد. دوم اینکه واقعاً معلوم نیست تکلیف این قانون و اجرای آن با این شکلی که مجلس تصویب کرده در داخل چه می‌شود. من به دلایلی فکر نمی‌کنم این قانون رنگ عمل به خود ببیند، خب اینکه در نهایت برای وجهه خود مجلس آسیب خواهد داشت. قبلاً هم تصمیمات هسته‌ای کشور چه برای افزایش فعالیت چه برای توافق در چارچوب مصوبات مجلس و تصمیمات دولت محدود نبود. کمااینکه مذاکرات منتهی به برجام و اساساً انتقال پرونده از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه از زمستان ۹۱ یعنی ۹ ماه قبل از تشکیل دولت آقای روحانی کلید خورده بود. شاید دولت‌ها یا مجالس در برخی جزئیات تأثیرگذار باشند که قطعاً هستند اما کلیاتی مانند توقف اجرای پروتکل و یا مسائلی در این سطح، در چارچوب دیگری تصمیم‌گیری می‌شود.

■ **به نظر شما نتیجه عملیاتی این قانون درصورتی که فرض بگیریم اجرا شود، چه خواهد بود؟**

ببینید به زبان خیلی ساده نتیجه عملیاتی این قانون این است که هزینه برجام و ایستادگی در برابر ترامپ را پرداخته‌ایم اما خودمان را از منافع آن داریم محروم می‌کنیم. حتی اگر این بازی مجلس ایفای نقش خوب و بد برای طرف مقابل بود باز حرفی وجود نمی‌داشت و منطقی بود. اما شواهد چیز دیگری نشان می‌دهد؛ به محض اینکه وحشی‌ترین دولت تاریخ امریکا کنار می‌رود و تغییراتی را در چشم‌انداز می‌شود دید، ما شروع کردیم به رادیکالیسم. در حالی‌که سؤال این است که چرا قبلش این کار را نکرده بودند؟ تقارن این اقدام با شکست ترامپ شبهات بسیاری دارد، چرا که مشخصاً زمین بازی برای رادیکال‌های صهیونیست و امریکایی و عربی را فراهم می‌کند. فرض کنید بایدن بخواهد برگردد؛ این قانون مجلس با ترتیباتی که دارد بهترین برگ برنده و بهانه دست نمایندگان جمهوریخواه کنگره و لابی اسرائیل است. من نمی‌گویم مجلس محترم از قصد چنین کرده اما نتیجه عملی این کار حداقل زنده نگه داشتن مسیر ترامپیسم، چه در منطقه و چه در امریکا در قبال مسأله ایران است.

■ **یک نظر وجود دارد و آن هم اینکه این قانون یک مقدمه‌چینی برای انتخابات ۱۴۰۰ است و بهانه‌های جناحی زیرساخت اصلی آن هستند. شما این نظر را چقدر مقبول می‌دانید؟**

مسأله منافع حزبی است به نظر من. این موضوعی است که این جریان را در داخل به میدانی می‌آورد و وارد بازی می‌کند که خواست تندترین دشمنان خارجی ایران است. من صراحتاً می‌گویم که متأسفانه مسأله بیشتر ناظر به انتخابات ۱۴۰۰ است. همان‌طور که ترامپ در امریکا با اهداف حزبی سعی کرد دستاوردهای دولت قبل از خودش را تخریب کند، اینجا هم بحث ایجاد موقعیت برای یک استفاده سیاسی در داخل است. من معتقدم این آقایان نه منافع کشور که حتی باورهای خود را هم الان دنبال نمی‌کنند و عطش ریاست جمهوری ۱۴۰۰ همه کارهایشان را تحت تأثیر قرار داده. خیلی تأسف‌بار است که برخی فکر می‌کنند چون آرام شدن شرایط تحریم‌ها و تنش‌های خارجی می‌تواند روی انتخابات آینده تأثیر بگذارد، جلوی این روند را می‌گیرند. این بسیار خطرناک است، نه فقط از نظر خطرات خارجی بلکه داخلی. این وضعیت اقتصادی که مستقیماً بخش اعظم آن متأثر از تحریم است می‌تواند آبستن اتفاقات ناگواری هم بشود. این گروگان گرفتن زندگی مردم برای منافع جناحی است.

> به زبان خیلی ساده نتیجه عملیاتی قانون مجلس این است که هزینه برجام و ایستادگی در برابر ترامپ را پرداخته‌ایم اما حالا داریم خودمان را از منافع آن محروم می‌کنیم. در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در ۱۱ ماه ۵ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را علیه خودمان داشتیم که چین و روسیه به آنها رأی مثبت داده بودند. اینکه با این قانون تحریم‌ها لغو می‌شوند واقعاً یک جوک است و خنده‌دار است. من قول می‌دهم ما امروز اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کنیم یک هفته طول نمی‌کشد که روسیه و چین هم پشت ما را خالی خواهند کرد. صراحتاً می‌گویم که متأسفانه مسأله بیشتر ناظر به انتخابات ۱۴۰۰ است

■ **شما می‌گویید این قانون احتمالاً نمایانگر راهبرد نهایی نظام نیست. بر چه اساسی این حرف را می‌زنید و مبنای تحلیل شما در این رابطه چیست؟ یعنی چه شواهدی شما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند؟**

شواهد کاملاً روشن است. دیپلماسی سه سال اخیر ما نه فقط در جریان هسته‌ای بلکه در همه مقاطع به نظرم یکی از هوشمندانه‌ترین سیاستگذاری‌ها در سطح کلی نظام بود که ایران را از یکی از خطیرترین دوره‌های تاریخی عبور داد. کسی که این را به هم می‌زند یعنی از رسیدن به مقصود در این مسیر راضی نیست و یا منافع دیگری دارد. ما آیا مهم‌تر از ترور و شهادت سردار سلیمانی در سال گذشته داشتیم؟ پاسخ جمهوری اسلامی چه بود؟ مگر این پاسخ در اختیار آقای روحانی و دولت بود؟ ما شاهد بودیم کلیت نظام در موضوعی با چنین اهمیتی دست به یک خویشتنداری ژئوپلیتیک زد و صبر راهبردی نشان داد. خب این قطعاً یک محاسبه‌ای به عنوان عقبه خودش در نظام دارد. در موضوع هسته‌ای هم همین شد، اما من تعجب می‌کنم و نمی‌دانم مجلس با چه برآوردی دارد با چنین مصوباتی این منظومه رفتاری را دچار اختلال می‌کند. اصلاً کار سختی نیست که بفهمیم این نوع قانونگذاری در این شرایط به چه کسانی خوراک تبلیغاتی می‌دهد. الان کسانی که از این قانون جدید در دنیا خوشحال شده‌اند طرفداران منطقه‌ای و بین‌المللی ترامپ هستند که خشنودی خود را هم پنهان نمی‌کنند و دارند به دولت بعدی امریکا می‌گویند ببین، این رادیکالیسم، واقعیت ایران است و مذاکره و بازگشت به برجام فایده ندارد. در حالی که نظام چرا این سه سال صبر کرد؟ صبر کرد که با اولین تغییر مثبت در چشم‌انداز برجام، آن را به هم بزند؟ خب ما که تمام آثار اقتصادی اقدام ترامپ را تحمل کردیم، اگر قرار به چنین چیزی بود که مجلس می‌گوید، خب همان اول می‌زدیم زیر برجام که بهتر بود. من از نظر صراحت، حرف آخر و نهایی‌ام در این تحلیل این است که به نظر می‌رسد برخی دوستان در مجلس دارند سنگ‌هایی را هل می‌دهند که ترامپ می‌خواهد در هفته‌های پایانی ریاست جمهوری‌اش سر راه بازگشت امریکا به برجام بیندازد. من نمی‌گویم این اقدام عمدی است اما شدیداً در آن، فقدان محاسبه را شاهد هستیم و می‌بینیم به لحاظ منطقی با مسیری که تا حالا آمده‌ایم همخوانی ندارد.

■ **ادعای طراحان و تأییدکنندگان این مصوبه این است که با چنین قانونی تحریم‌ها رفع خواهند شد. این چقدر منطقی و دقیق است؟**

مسأله تحریم‌ها یک سیاستگذار به نام مقام عالی کشور دارد که از همه نهادها و قوا مشاوره لازم را می‌گیرد و نهایتاً به سیاستی می‌رسد و این سیاست یک مجری دارد به نام دولت. خوشمان بیاید یا نیاید، فرآیند این است. اتفاقاً هوشمندی آقای روحانی این بود که منطبق و هماهنگ با رهبر انقلاب حرکت کردند. اتفاقاً به نظر من نقطه قوت برنامه هسته‌ای ما هم این بوده که در سیستمی فراتر از یک قوه هدایت ثابت و متمرکزی داشته و اگر اعوجاجی که در حوزه‌های سیاسی وجود دارد در برنامه هسته‌ای بازتاب پیدا می‌کرد، الان ما یا برنامه هسته‌ای نداشتیم یا ایران را نداشتیم. اما هر دو را داریم و در تمام دنیا حوزه‌های استراتژیک چنین هستند.

■ **من سؤالم در مورد رفع تحریم‌ها بود؛ آیا چنین قانونی اگر اجرا شود، می‌تواند زمینه‌ساز رفع تحریم‌ها باشد؟**

سابقه موضوع مشخص است. یک رجوع به دوره ۸۴ تا ۹۲ بکنیم همه چیز روشن می‌شود. چیزی که ما را تا الان در مناقشه با امریکا در حوزه حقوقی و سیاسی برنده کرده حفظ روابط عمومی نظام در چارچوب توافق برجام با دنیا بوده در عین حفظ شأن و جایگاه کشور. ما در حوزه حقوقی و سیاسی برنده شده‌ایم و حالا وقت رسیدن به منفعت‌های اقتصادی این ایستادگی است. ما در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در ۱۱ ماه ۵ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را علیه خودمان داشتیم که چین و روسیه به آنها رأی مثبت داده بودند. اینکه با این قانون تحریم‌ها لغو می‌شوند واقعاً یک جوک است و خنده‌دار است. من قول می‌دهم ما امروز اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کنیم یک هفته طول نمی‌کشد که روسیه و چین هم پشت ما را خالی خواهند کرد. چون توجیهی ندارند. ما باید برای توافقات بین‌المللی خود حتی برای اروپایی‌ها هم کاری کنیم که ماندن‌شان را کنار ما موجه بدانند، مثل همین دوره سه ساله گذشته. اما داریم کاری می‌کنیم که به گواه تاریخ، دوستان ما هم برای حمایت ما توجیه نداشته باشند. شرایطی که در این قانون تبیین شده همان است که ما را ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل برد، الان چه اتفاقی افتاده که باز به آنجا نرسیم؟ چیزی که تغییر نکرده از این حیث. پس مطمئناً نتیجه اجرای چنین قانونی بازگشت جدی‌تر تحریم‌ها خواهد بود.

سجاد صفری/ ایران

■ **شما اشاره کردید که معتقدید سیاستگذاری هسته‌ای فراتر از نهادها و قوا انجام می‌گیرد. با این اعتقادی که دارید، فکر می‌کنید قانون مصوب مجلس چقدر احتمال اجرایی شدن خواهد داشت؟**

من به لحاظ عملیاتی نگران این مصوبه نیستم و معتقدم که مسیر چیز دیگری خواهد بود. اما نگرانی‌ام آنجا است که این مصوبه نشانه آغاز یک عملیات و جنگ روانی گسترده در داخل است. این سه تأثیر مهم دارد؛ یکی اینکه پیام بسیار مخربی به خارج می‌دهد. برای کسانی که دشمن برجام و دشمن قسم خورده امنیت ما هستند پیام می‌دهد که الان با وجود رفتن ترامپ هنوز وقت افزایش فشار و تنگ‌تر کردن حلقه محاصره تمام نشده. برای آنها که می‌خواهند به مذاکره برگردند هم پیامش این است که فعلاً معطل بمانیم تا در داخل ایران جنگ بین خودشان تمام شود و ببینیم چه خواهد شد. تأثیر دیگرش روی مردم است که هم بیشتر آنها را به جان هم می‌اندازد و هم با استمرار فشار اقتصادی ما را از نظر اجتماعی و امنیتی در داخل شاید آسیب‌پذیر کند. سوم هم اینکه صبر راهبردی نظام را که تا الان هزینه‌اش را داده‌ایم موقع برداشت منافعش، دچار اختلال خواهد کرد. ساده‌انگاری است که فکر کنیم ترور شهید فخری‌زاده بابت توقف برنامه هسته‌ای بوده، مگر با ترورهای قبلی برنامه‌های ما متوقف شد؟ اسرائیل این کار را کرد تا ایران را عصبانی کند و این صبر راهبردی به پایان برسد.

من بابت ترور شهید سلیمانی هم معتقدم هدف اصلی و بنیادین امریکا خشمگین کردن نظام برای رفتن به سمت یک رویارویی نظامی بوده تا در آن میدان ابتکار عمل را به دست بگیرند. صبر راهبردی و هوشمندانه نظام و خویشتنداری که صورت گرفت، کاری کرد که در اکتبر ۲۰۲۰ و البته یک ماه قبل از آن در دو مرحله امریکا دو شکست سیاسی که در تاریخش نظیر نداشته را در شورای امنیت سازمان ملل متحمل شد و تحریم‌های تسلیحاتی ما رفع شد. خب این یک قدم مهم بود. هزینه سیاسی این شکست برای دولت امریکا و وجهه آن وحشتناک بود. حالا آن را مقایسه کنید با مواضع چین و روسیه درباره ما در سال‌های دولت نهم و دهم.

قالیباف: مجلس به‌دنبال ایجاد مزاحمت برای دولت نیست

پس‌از دو روز از مصوبه جنجالی مجلس در مورد خروج از برجام، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی حاضر شد و در پاسخ به این سؤال که گلایه‌ای از سوی دولتمردان مطرح می‌شود که مجلس از قانونگذاری خارج شده و وارد فاز اجرایی شده است، گفت: اصلاً این‌گونه نیست. قانونگذاری حق قانونی نمایندگان است. حتی آیین‌نامه‌های اجرایی مصوب در هیأت دولت هم بعد از تأیید در هیأت تطبیق قوانین مجلس قابل اجرا شدن است.

ما در مجلس کار ریل‌گذاری و تصویب قانون و تطبیق آیین‌نامه‌های اجرایی را انجام می‌دهیم. نباید در اجرا دخالت کنیم. من خیلی بر این موضوع تأکید دارم.

به‌گزارش ایسنا، رئیس مجلس با بیان اینکه از نظر بنده حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد افزایش قیمت کالاها و فشار اقتصادی به‌دنبال تحریم هاست، ادامه داد: برخی از ایام که ما نفت را بشکه‌ای ۱۱۰ دلار می‌فروختیم و کشور ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد داشت باز هم ما با تورم و کسری بودجه روبه‌رو بودیم و در ایامی دیگر که ما ۲۴ میلیارد دلار درآمد داشتیم و قیمت فروش نفت نیز کاهش یافته بود وضعیت کشور بهتر بود. او در ادامه در خصوص همکاری مجلس و دولت هم گفت: با توجه به تجربه نمایندگان در این مجلس و وجود نمایندگان متعهد و همچنین اعلام همکاری دولت برای اصلاح ساختار بودجه، بنده خوشبین هستم که مجلس یازدهم گام مؤثری در این حوزه بردارد. مجلس به‌دنبال ایجاد مزاحمت برای دولت نیست بلکه هدف ما کمک به دولت بوده و باید از مشکلات دولت گره‌گشایی کنیم. از سوی دیگر ما باید به مدیران قوی و با جرأت، شجاعت تصمیم‌گیری بدهیم.

خانه ملت

وی در ادامه با اشاره نقدهای وارده درباره طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها بیان کرد: ما در برابر تحریم‌ها یکی از راه‌هایی که پیش رو داریم بحث خنثی‌سازی اثر تحریم است که با قوی کردن اقتصاد میسر می‌شود. اینکه گفته می‌شود این طرح به‌صورت غیر کارشناسی در مجلس تصویب شده کاملاً غیرمنطقی است؛ چرا که مجلس حدود چهار ماه روی این طرح در کمیسیون امنیت ملی با همکاری دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و نظراتی که از سازمان انرژی اتمی و وزارت خارجه گرفته کار کارشناسی انجام داده است و اصلاً در این طرح به‌دنبال خروج از برجام نبوده‌ایم.

وی در ادامه اضافه کرد: بنده خطاب به آقای رئیس‌جمهوری از همین جا اعلام می‌کنم که ما باید در موضوعات ملی و در منافع ملی یکصدا و یک‌زبان باشیم و با همدلی پیش برویم. ایشان در خصوص این طرح فرمودند عده‌ای هول شدند و این طرح را تصویب کردند. اجازه دهید که ما کارمان را کنیم. بنده خطاب به ایشان می‌گویم که کسی هول نشده است.

ما امروز دیدیم که وزیر امور خارجه نیز در گفت‌وگوی ویدیوکنفرانسی با اروپایی‌ها اعلام کردند که طرح مجلس قانون است و ما باید آن را اجرایی کنیم. مردم از سران قوا انتظار همدلی و همکاری برای حل مشکلات اقتصادی را دارند. بنده به آقای رئیس‌جمهوری صراحتاً اعلام می‌کنم که ما در حل مشکلات مردم پای کار بوده و با دولت همکاری می‌کنیم و در عرصه بین‌المللی نیز یکصدا و یک‌زبان و با قدرت باید پیش برویم و ابتدا اقتصاد خود را برای خنثی‌سازی تحریم‌ها قوی کنیم.

دیگه چه خبر

ادعاهای اسرائیلی درباره ترور شهید فخری‌زاده

» خبر اول اینکه، وزیر اطلاعات اسرائیل در سخنانی مدعی شد که این رژیم محسن فخری‌زاده را شناسایی و تعقیب کرده و فهمیده که او در حال انجام چه کارهایی بوده است. به گزارش ایسنا به نقل از شبکه المیادین، «الی کوهن» در ادامه این اظهارات که به نوعی اعتراف به دست داشتن رژیم صهیونیستی در عملیات ترور شهید فخری‌زاده به شمار می‌آمد دیگر دانشمندان هسته‌ای ایران را تهدید و ادعا کرد: دانشمندان هسته‌ای ایران با آرامش نمی‌خوابند، آنها می‌دانند که اتفاقات این هفته ممکن است برای هر یک از آنها رخ بدهد. با وجود این اظهارات بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در یک نشست خبری از پاسخ به سؤالی درباره متهم بودن اسرائیل به ترور دانشمند ایرانی طفره رفت و گفت: آنها (ایرانی‌ها) همیشه ما را سرزنش می‌کنند. درست یا غلط. هر چیزی که در ایران اتفاق می‌افتد ما را سرزنش می‌کنند. گفته می‌شود که نتانیاهو از اعضای دولت خود خواسته است درباره ترور دانشمند هسته‌ای- دفاعی ایران اظهارنظر نکنند.

دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا: حق با ایرانی‌هاست

» خبر دیگر اینکه، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از موضع ایران مبنی بر بی‌اعتمادی به امریکا دفاع کرد. به گزارش خبرگزاری صداوسیما، «جوزپ بورل» در گفت‌وگو با یورونیوز انگلیسی با اشاره به ابراز تمایل رئیس جمهوری آینده امریکا به بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران، گفت: اروپا بسیار علاقه‌مند بوده است که طرح جامع اقدام مشترک دوام بیاورد. من باید آن را زنده نگه دارم، این توافق کمی به‌خواب زمستانی رفته، اما هنوز نمرده است. حالا باید دید ایرانی‌ها چه فکر می‌کنند، چون حق دارند حس کنند که به آنها خیانت شده است، شاید نخواهند دوباره با همان کارت‌های قبلی بازی کنند. اما باید منتظر بود و دید که چه روی خواهد داد.

تلاش مجلس نمایندگان امریکا برای بازگشت به برجام

» شنیدیم که، رئیس جدید کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان امریکا طی بیانیه‌ای از تلاش خود برای بازگشت این کشور به توافق هسته‌ای با ایران خبر داده است. به گزارش ایلنا به نقل از ریپابلیک ورلد، «گرگوری میکس» رئیس جدید کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان در این بیانیه تصریح کرده که کمیته تحت ریاستش برای پیوستن دوباره امریکا به برجام و سازمان جهانی بهداشت تلاش خواهد کرد. میکس نخستین امریکایی آفریقایی- تباری است که به عنوان رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان امریکا انتخاب می‌شود.

وضع تحریم‌های جدید علیه ایران

» دست آخر اینکه، در ادامه سیاست هر هفته یک تحریم جدید دولت ترامپ در هفته‌های آخر فعالیت‌اش روز پنجشنبه وزارت خزانه‌داری امریکا از اعمال تحریم علیه یک شخص و نهاد مرتبط با ایران خبر داد. به گزارش ایسنا، وزارت خارجه امریکا با صدور بیانیه‌ای از اعمال تحریم علیه «گروه شهید میثمی» و رئیس آن «مهران ببری» خبر داد و اعلام کرد که این دو به اتهام ارتباط با سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی در لیست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

خواست ایران از جامعه جهانی برای واکنش به ترور و نخبه کشی

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل در ژنو، با ارسال نامه‌ای به مدیرکل سازمان جهانی بهداشت، بر ضرورت واکنش قاطع جامعه بین‌المللی نسبت به این «نخبه کشی» رذیلانه تأکید کرد.

به‌گزارش ایلنا، اسماعیل بقایی هامانه در نامه به «تدروس آدهانوم» مدیرکل سازمان جهانی بهداشت، ضمن تشریح خدمات ارزنده این پژوهشگر برجسته در حوزه بهداشت و درمان، در تولید اولین مجموعه از کیت‌های تشخیص کرونا در ایران و همچنین مدیریت پروژه تولید واکسن کووید۱۹، ترور سبعانه وی را در ادامه سیاست فشار همه جانبه بر ملت ایران توصیف و تأکید کرد سکوت و بی‌عملی در برابر این آدمکشی به هیچ عنوان جایز نیست چراکه باعث عادی شدن و تکرار چنین جنایاتی در اقصی نقاط جهان خواهد شد.

نماینده دائم کشورمان، ترور شهید فخری‌زاده را مصداق بارز «تروریسم دولتی جنگ طلب» عنوان کرد که هیچ ارزش و اعتباری برای ارزش‌های اخلاقی و انسانی و قواعد و موازین بین‌المللی قائل نیست.

در همین زمینه، علی‌باقری‌کنی دبیر ستاد حقوق بشر نیز در نامه‌های جداگانه به دبیرکل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، خواستار محکومیت صریح ترور شهید فخری‌زاده به‌عنوان عملیات تروریستی شد و با یادآوری موضع‌گیری‌های صریح و شفاف دبیر کل سازمان ملل متحد در قبال حوادث تروریستی در دیگر کشورها ازجمله اتریش (بیانیه ۳ نوامبر ۲۰۲۰) و فرانسه (بیانیه ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰) گفت: یک بار هم شده با تروریسم در ایران مانند تروریسم در فرانسه و اتریش برخورد کنید. باقری در این نامه‌ها تصریح کرد که «انفعال و بی‌عملی در برابر این اقدام مجرمانه، شائبه مشروعیت‌بخشی به تروریسم را تقویت کرده، افراطی‌گری و تروریسم را اشاعه داده و موجبات مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد را فراهم خواهد آورد».

احمد جلالی، سفیر و نماینده دائم کشورمان در یونسکو هم در بخشی از سخنرانی خود در اجلاس شورای اجرایی این سازمان، سکوت و بی‌عملی در برابر ترور دانشمند شهید محسن فخری زاده را غیرقابل توجیه دانست و با توجه به مسئولیت این سازمان در حوزه دانش و آموزش، خواستار محکوم کردن این جنایت تروریستی شد. وی افزود: در کشورهای در حال توسعه، این دانشمندان هستند که باید بر اساس نیازهای بومی، ساختارهای علمی ایجاد کنند اما افسوس که بسیاری از این کشورها گرفتار پدیده فرار مغزها و از آن بدتر ربایش مغزها و از همه فاجعه بارتر، ترور دانشمندان خود هستند.

روز پنجشنبه نیز کاظم غریب‌آبادی، سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین با ارسال نامه‌ای به «رافائل ماریانو گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ضمن محکومیت شدید ترور شهید فخری‌زاده، خواهان محکومیت شفاف و بی قید و شرط این اقدام تروریستی و غیر انسانی از سوی وی شد.

شرکت لاستیک پارس (سهامی عام)
لاستیک پارس
PIROUZI TIRE
آگهی تجدید مناقصه عمومی ۳-۹۹
پیرو آگهی مندرج در روزنامه اطلاعات، شرکت لاستیک پارس (سهامی عام) در نظر دارد انجام امور خدمات پیمانکاری لیفتراک به تعداد ۱۵ دستگاه را به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر، دریافت و تحویل اسناد مناقصه از تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ (به‌غیر روز پنج‌شنبه و جمعه) در ساعات اداری به محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران، میدان ونک، ابتدای بزرگراه شهید حقانی، بین چهارراه جهان کودک و خیابان گاندی شمالی، پلاک ۷۱ دفتر مدیریت و تلفن (۰۲۱۸۸۶۵۶۳۰۱) مراجعه نمایند.
شرکت لاستیک پارس (سهامی عام)